



سرشناسه: مهرعلیان، عباسعلی، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور: تشخیص و درمان اختلالات یادگیری/ مولفان عباسعلی
مهرعلیان، ابراهیم مهرعلیان.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۳۵ ص.
شابک: ۳-۷۸۹-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸-۴۱۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص ۱۳۵ - ۱۳۰.
موضوع: اختلالات یادگیری -- تشخیص و درمان
شناسه افزوده: مهرعلیان، ابراهیم، ۱۳۶۸
رده بندی کنگره: RC۴۸/۵
رده بندی دیویی: ۶۱۶/۸۹۱۵۶
شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۴۶۱۱۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: تشخیص و درمان اختلالات یادگیری
مولفان: عباسعلی مهرعلیان - ابراهیم مهرعلیان
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
چاپ: مدیران
قیمت: ۴۱۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۳-۷۸۹-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



به نام خدا

تشخیص و درمان اختلالات یادگیری

مولفان :

عباسعلی مهرعلیان

ابراهیم مهرعلیان

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۰

تقديم به

"وجود با ارزش پدر و مادر عزیزمان"

و

یگانه دختر عزیزم "سما"

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
فصل اول: پیش درآمدی بر اختلالات یادگیری.....	۱۲
تاریخچه	۱۳
تعریف اختلالات یادگیری	۱۵
درجه شیوع (فراوانی)	۲۰
ویژگی های کودکان مبتلا به ناتوانی های یادگیری.....	۲۲
ویژگی های کودکان مبتلا به ناتوانی در ریاضیات	۲۶
ویژگی های نوجوان دارای اختلالات یادگیری	۲۷
فصل دوم: انواع اختلالات یادگیری	۳۰
ناتوانی در خواندن (دیسلکسی)	۳۱
ناتوانی در هجی کردن (دیس آرتوگرافیا)	۳۳
ناتوانی در نوشتن (دیس گرافیا)	۳۳
تشخیص و ارزیابی اختلالات یادگیری.....	۴۳
مراحل تشخیص ناتوانی های یادگیری	۴۵
الگوهای تشخیص	۴۸
شیوه های ارزیابی	۵۰
فصل سوم: سبب شناسی اختلالات یادگیری.....	۵۴

تاریخچه اختلالات یادگیری.....	۵۶
تعاریف اختلالات یادگیری.....	۵۹
ویژگی های کودکان دارای اختلال یادگیری.....	۶۱
طبقه بندی ناتوانی های یادگیری.....	۶۴
ناتوانی های یادگیری غیرکلامی.....	۶۶
علل اختلالات یادگیری.....	۷۰
ارتباط علت شناسی با آموزش و پرورش.....	۷۳
نظریه های مربوط به اختلالات یادگیری.....	۷۵
برآورد درصد شیوع اختلالات یادگیری.....	۹۰
اعتماد به نفس، رفتار اجتماعی و بزهکاری.....	۹۳
واکنش در برابر شکست.....	۹۳
انتظار موفقیت یا شکست.....	۹۴
زمان پایداری (یا ایستادگی).....	۹۶
ادراکات اجتماعی.....	۱۰۱
ناتوانی های یادگیری و بزهکاری نوجوانی.....	۱۰۴
علل ناتوانی های یادگیری.....	۱۰۷
فصل چهارم: درمان و خدمات آموزشی.....	۱۱۴
کودکان مبتلا به ناتوانی های یادگیری.....	۱۱۵
برنامه آموزشی کودکان مبتلا به ناتوانی های یادگیری.....	۱۱۵

- ۱۱۹.....توصیه‌هایی برای رفع مشکلات خواندن و هجی کردن
- ۱۲۰.....توصیه‌هایی برای رفع مشکلات نوشتن
- ۱۲۱.....توصیه‌هایی برای رفع مشکلات حساب کردن
- ۱۲۲.....توصیه‌هایی برای رفع مشکلات نارسایی توجه
- ۱۲۴.....توصیه‌های کلی آموزشی
- ۱۲۵.....والدین چه اقدام‌هایی باید انجام دهند؟
- ۱۲۶.....درمان اختلالات یادگیری
- ۱۳۰.....منابع و مآخذ

پیشگفتار

در سال‌های اخیر توجه روزافزون به اهمیت فزاینده علم روانشناسی تربیتی در مسائل آموزش و پرورش شده، به خصوص توجه ویژه‌تر به دانش آموزانی که دچار مشکلات یادگیری بوده‌اند، و این امر خود دغدغه تک‌تک اولیاء و مربیان مدارس منجمله مولفان که سال‌های سال در کلاس‌های درس خودشان شاهد دانش‌آموزانی بوده‌اند، که می‌شد با چند تکنیک رفتاری و راهکارهای روان‌شناختی کمک چشمگیری به دانش‌آموز کرده و بعضاً مسیر زندگی دانش‌آموز در آینده تغییر یابد. در زمینه اختلالات یادگیری کتاب‌ها و منابع متعددی وجود دارد که اندیشمندان این حوزه تاکید زیادی بر اهمیت این موضوع با وجود پیچیدگی مسائل روان‌شناختی دانش‌آموزان در عصر حاضر داشته‌اند کتاب حاضر نیز در این زمینه با نگرش به مساله تشخیص و ارائه راهکارهای درمانی نگاشته شده است امید است مورد توجه جامعه علمی، صاحب‌نظران و معلمان قرار گیرد، بدیهی است که به رغم تلاش مولفان کتاب حاضر، خالی از نقص نیست، لذا از اساتید و دانشجویان و معلمان عزیز انتظار می‌رود که ایشان را مورد عنایت رهنمودهای خود قرار دهند. مولفان نیز رهنمودهای این عزیزان را در ویراست‌های بعدی حتماً ملحوظ خواهند کرد.

سخنی از مؤلفین

فصل اول: پیش درآمدی بر

اختلالات یادگیری

تاریخچه

متأسفانه تاریخچه آموزش کودکان مبتلا به ناتوانی‌های خاص یادگیری بسیار کوتاه است. تا سال ۱۹۶۰ مشکل این کودکان تقریباً شناخته نشده بود. در این سال تلاش‌هایی وسیع آغاز شد و نظریات متفاوتی عنوان گردید، دسته‌ای ناتوانی‌های خاص یادگیری را معلول تنبلی کودکان خواندند، دسته‌ای دیگر وجود ضایعه مغزی را علت این عارضه تلقی کردند. گروهی معلولیت ادراکی و گروه دیگر اختلالات عصبی را علت ناتوانی یادگیری می‌شناختند. آشفتگی و سردرگمی موجود چندان هم بی‌علت نبود.

اصولاً شناخت کودکان مبتلا به ناتوانی‌های خاص یادگیری، مستلزم گذشت زمان بود. گذشت زمانی که موجبات به هم رسیدن علوم متفاوتی چون پزشکی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، توانبخشی و ... درگره‌گاه واحدی به نام اختلال یادگیری را فراهم کرد. در این میان پزشکی نخستین رشته‌ای بود که به تشخیص دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری توجه کرد. پس از آن روان‌شناسان به مطالعه خصوصیات این دانش‌آموزان پرداختند. با این وجود تا اوایل دهه ۱۹۶۰ کاری که در خور توجه باشد انجام نگرفته بود، به همین علت در این دهه، علمای تعلیم و تربیت نیز به جریان مذکور پیوستند و برای حل این مشکل پیشقدم گشتند.

در سال ۱۸۹۶ پزشکی انگلیسی به نام مورگان وضعیتی را گزارش کرد که آن را کوری لغات می‌نامید. حالتی که ناتوانی در خواندن کلمات از آن تعبیر می‌شد. چند سال پس از آن یعنی در سال ۱۹۲۰ این مورد جای خود را به عنوان مفهومی در مطالعات علمی بازکرد.

در سال ۱۹۳۰ عصب آسیب‌شناسی به نام اُرتون^۱ رابطه میان غلبه مغز و اختلالات تکاملی زبان را مورد مطالعه قرار داد. در سال ۱۹۴۷ استراوس^۲ و لتی‌نین^۳ کتاب «آسیب‌شناسی روانی و تربیت کودک معلول مغز» را منتشر کردند که بر پایه آن ناتوانی‌های یادگیری ناشی از ضایعات مغزی قلمداد می‌شوند.

از سال ۱۹۴۸ به بعد تلاش‌هایی شکل یافته‌تر در این زمینه آغاز شد که به طور عمده مربوط به تلاش برای کشف حدود و علل متفاوت ناتوانی‌های یادگیری بود. این تلاش‌ها ادامه یافت و به پدید آمدن گروه‌های محلی و سازمان‌های ایالتی متفاوتی انجامید که در سال ۱۹۶۳ با برگزاری یک کنفرانس ملی به رهبری ساموئل کرک^۴ در شیکاگو اقدام به ایجاد و سازماندهی یک مؤسسه ملی کردند. در همین سال کرک طی سخنانی در این کنفرانس گفت: موضوع بحث ما در این جا کودکانی هستند که یا به جهت سبب‌شناسی (برای مثال نقص کار مغز، نقص جزئی در کار مغز یا اختلال عصبی - روانی)، یا به سبب جلوه‌های رفتاریشان (برای مثال، اختلال‌های ادراکی، فعالیت‌های حرکتی بیش از حد، نارساختوانی یادیس لکسی) نامی بر آن‌ها نهاده شده است» کرک در اظهارات خود پیشنهاد کرد که برای پرهیز از معمای پیچیده کار ناقص مغز، از اصلاح «ناتوانی یادگیری» که در برگیرنده تمام افراد مورد نظر است استفاده شود.

اولیای کودکانی که به ناتوانی یادگیری مبتلا بودند و با اصطلاحات پیشنهاد شده قلبی موافقت نداشتند. این اصطلاح را شور و شوق پذیرفتند و مؤسسه کودکان ناتوان در

¹. orton

². strauss

³. Lehtinen

⁴.kirk

یادگیری را تشکیل دادند. این نامگذاری مشکل به وسیلهٔ کرک و تشکیل مؤسسه کودکان ناتوان در یادگیری معمولاً به عنوان شروع اداری و رسمی حرکت در جهت برخورد با ناتوانی‌های یادگیری در نظر گرفته می‌شود (افروز و همکاران، ۱۳۹۴).

تعریف اختلالات یادگیری

اصطلاح اختلالات یادگیری از نیاز به تشخیص و خدمت به دانش‌آموزانی برخاسته است که به طور مداوم در کارهای درسی خود با شکست مواجه می‌شوند و درعین حال در چهارچوب سستی کودکان استثنایی نمی‌گنجند.

تعاریف ناتوانی یادگیری با تغییرات متنوعی همراه بوده است این امر ممکن است به خاطر ارزشیابی و بازنگری‌های متحد و در این قلمرو و ماهیت علمی آن باشد. رشته‌های تخصصی متعددی به طور مثال پزشکی، روانشناسی، علوم تربیتی، زبان‌شناسی و عصب‌شناسی، هر کدام اصطلاحاتی را برای تبیین این اختلال دخیل کرده‌اند. برای مثال علوم تربیتی عبارت ناتوانی یادگیری خاص را به کار می‌برد، روانشناسی از مقولات همچون اختلالات ادراکی، رفتارهای فزون کنشی، نقص توجه و زبان‌شناسی از عبارات ناگویی اکتسابی، نارساخوانی و پزشکی و عصب‌شناسی از موارد ضربه مغزی، نارساکنش‌وری قلیل مغز، صدمه یا آسیب مغزی استفاده می‌کنند. (شریفی درآمدی، ۱۳۸۱).

تعریف قانون آموزش و پرورش برای کودکان دارای ناتوانی یادگیری چنین است:

«ناتوانی یادگیری بخصوص، یعنی اختلالی در یک یا چند فرایند روانی پایه که به درک یا استفاده از زبان شفاهی یا کتبی مربوط می‌شود و می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش کردن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن، یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود. این اصطلاح شرایطی چون معلولیت‌های ادراکی، آسیب دیدگی‌های مغزی، نقص جزئی در کار مغز، دیسلکسی یا نارساخوانی و آفازیای رشدی را در بر می‌گیرد.» (جرالد و مگ لافلین، ۲۰۱۷).

انجمن مخصوص کودکان و بزرگسالان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری تعریف دیگری را ارائه داده است، این تعریف معتقد است که ناتوانی‌های یادگیری ریشه نورولوژیک دارد و وجه تمایز این تعریف آن است که وسعت حوزه‌هایی که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. وسیع‌تر می‌کند و آن را به چیزی غیر از دروس نیز گوش می‌دهد. تعریف چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری ویژه، حالتی مزمن است که منشأ نورولوژیک دارد و به صورت انتخابی در کار رشد و یا ابزار مهارت‌های کلامی و غیر کلامی دخالت می‌کند. این اختلال ممکن است در افرادی که دارای هوش متوسط یا بالا و کسانی که سیستم‌های حسی و حرکتی‌شان به طور کافی درست کار می‌کند و اشخاصی که از فرصت‌های یادگیری به اندازه کافی استفاده می‌کنند نیز تظاهر کند. ناتوانی‌های یادگیری از نظر نوع تظاهرات و میزان رشد فرد می‌تواند متفاوت باشد. این حالت ممکن است در سراسر زندگی در عزت نفس، تحصیلات، شغل، ارتباط با دیگران و فعالیت‌های روزمره فرد، تأثیر منفی بگذارد» (دانیل پی و کافئن، ۲۰۱۸).

در سال ۱۹۸۱ کمیته مشترک ملی برای ناتوانی‌های یادگیری (njcld)، مرکب از: نمایندگان انجمن گویایی و شنوایی آمریکا، جامعه کودکان و بزرگسالان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری، شورای مخصوص ناتوانی‌های یادگیری، بخش مربوط به کودکانی که دچار اختلالات ارتباطی هستند، انجمن بین‌المللی خواندن، انجمن دیسلکی مشترکاً تعریفی ارائه داده‌اند که چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری یک اصطلاح کلی است که به علت گروهی از بی‌نظمی‌های نامتجانس به وجود می‌آید. این حالت ممکن است به صورت اشکالات مهمی در اعمالی نظیر: گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، استدلال کردن یا حساب کردن تظاهر نماید. اکثر این بی‌نظمی‌ها جنبه ذاتی دارند و به نظر می‌رسد که معلول بدکاری سیستم اعصاب مرکزی باشند. حتی با وجود اینکه ناتوانی یادگیری ممکن است همراه با سایر شرایط معلولیت رخ دهد و یا تأثیرات منفی محیطی مانند تفاوت‌های فرهنگی، آموزش نامناسب و کافی را در برداشته باشد.» (دانیل پی وکافن، ۲۰۱۸).

تعریف دیگری که در این جا ارائه می‌شود به نقل از کنگره آمریکا طبق قانون عمومی ۹۴-۱۴۲ است، تعریف چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری به معنای وجود اختلالی در یک یا چند فرآیند روان‌شناختی پایه بوده که به فهم یا استفاده از زبان نوشتاری و یا گفتاری مربوط می‌شود و می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش کردن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن و هجی کردن یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود.» (ایلوارد و براون، ۲۰۱۷).

تعریف دیگری که بیت من ارائه داد که یک بعد تازه و مهم به آن اضافه می‌کرد، او قید اختلاف را نیز در تعریف گنجانده که عبارت بود از اختلاف بین ظرفیت تخمین‌زده شده و پیشرفت مشاهده شده، تعریف چنین است:

«کودکان که دارای اختلال در یادگیری هستند کسانی‌اند که از نظر آموزشی اختلاف فاحشی بین توانایی‌های عقلی بالقوه تخمین‌زده شده آن‌ها و سطح عملکرد واقعی حاصل از اختلال‌های اساسی در فرآیند یادگیری آن‌ها وجود دارد که ممکن است همراه با اختلال قابل مشاهده‌ای در کارکرد دستگاه عصبی مرکزی باشد یا نباشد و وابسته به عقب‌ماندگی ذهنی تعمیم یافت، محرومیت‌های تحصیلی یا فرهنگی، پریشانی‌های هیجانی شدید، یا از دست دادن حواس نیستند.»

این تعریف که به تعریف nachc معروف است بر خلاف تعریف‌های پیشین مشخص می‌کند که تعیین اختلال کارکرد دستگاه عصبی مرکزی اختیاری بوده و برای تشخیص یک کودک دارای اختلالات یادگیری الزامی است. (ایلوارد وبراون، ۲۰۱۷).

تعریف دیگری که در اینجا ارائه می‌شود تعریفی است که کمیته مشاوره ملی کودکان معلول در گزارشی به کنگره، برای ناتوانی‌های یادگیری پیشنهاد نمود و در آخر هم ۵ مسأله را در این تعریف مورد توجه قرار داد. تعریف چنین است:

«کودکان دارای ناتوانی‌های ویژه یادگیری که در یکی یا بیشتر فرایندهای روانشناختی مربوط به درک یا استفاده از زبان گفتاری یا نوشتاری از خود نابهنجاری نشان می‌دهند. این نابهنجاری ممکن است در گوش دادن، تفکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا حساب کردن خودنمایی کند. این نابهنجاری شرایطی مانند معلولیت ادراکی،

آسيب مغزي، ناکارآيي حداقل مغزي، بدخواني، اختلال تکلمي تکويني و نظاير آن بازتاب يابد. در اين ليست ناتواني هاي يادگيري مربوط به بينايي، شنوايي، معلوليت هاي حرکتي، عقب ماندگي ذهني، اضطراب عاطفي يا کمبودهاي محيطي مورد نظر نمي باشد. « در اين تعريف ۵ مسأله مورد توجه بوده است:

۱- ناتواني در انجام تکاليف مدرسه: ناتواني در يادگيري مهارت هاي تحصيلي به عنوان تجلي اصلي ناتواني هاي يادگيري شناخته شده اند.

۲- عوامل استثنائي: از اين تعريف عواملی بخصوص مانند مشکلات جسماني، نقص حسي، تدريس ضعيف، عوامل فرهنگي محيطي و عقب افتادگي ذهني مستثني شده اند. کودکان درگير اين عوامل استثنائي علاوه بر مورد مبتلا به خود ناتواني هاي يادگيري نيز از خود نشان مي دهند و همين امر موجب تناقض و سردرگمي مي شود.

۳- وابسته هاي فيزيولوژيکي: در اين تعريف از عملکرد سيستم مرکزي عصبي مقداري انحراف وجود دارد.

۴- اختلاف در عمل: شاخص اصلي ناتواني در يادگيري تفاوت موجود بين عملکرد تحصيلي مورد انتظار کودک بر مبنای هوش و پيشرفت موجود او مي باشد.

۵- وابسته هاي روانشناسي: نابهنجاري در يکي يا بيشتر فرايندهاي اصلي روانشناسي به عدم موفقيت در يادگيري مي انجامد (دورکين، صالحی، ۱۳۹۶). «کودکان ناتوان در يادگيري در يک يا چند فرايند اساسي رواني در ارتباط با فهميدن يا کاربرد زبان شفاهي يا کتبي ناتواني نشان مي دهند. تظاهرات اين ناتواني ممکن است به صورت اختلال در

گوش دادن، فکر کردن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا حساب باشد. « (کریمی، ۱۳۸۰).

تا اینجا تعریف‌های زیادی ارائه شد. ارائه‌دهندگان این تعریف‌ها و سایر دست اندرکاران این رشته، هدف مشابهی را دنبال می‌کنند. بدین معنی که همه می‌کوشند ناتوانی یادگیری را به گونه‌ای تعریف کنند که در ارائه خدمات لازم به این مبتلایان به کار آید. در همه این تعریف‌ها چهار بعد اساسی دیده می‌شود:

- تفاوت میان عملکرد مورد انتظار و عملکرد واقعی یک کودک.
- مظاهر یا نشانه‌های رفتاری مربوط به ضعف و قوت موضوع‌های تحصیلی و زبان در یادگیری.
- وجود یا عدم سایر مشکلات، چون ناشنوایی
- تمرکز یا نگرش پایه آن‌ها درباره مشکل یادگیری. «(فرقانی رئیسی، ۱۳۷۲).

درجه شیوع (فراوانی)

«بر مبنای تغییرپذیری تعاریف و معیارهای به کار رفته تخمین شیوع ناتوانی‌های یادگیری مشکل می‌باشد. کمیته مشاوره ملی کودکان معلول تخمین زده است که ۱ تا ۳ درصد جمعیت آماری در سن مدرسه با این ناتوانی‌ها روبرو می‌باشند. با وجود این بر مبنای مطالعات انجام گرفته این مقدار ۱ تا ۳۰ درصد کودکان را شامل می‌شود». دورکین، صالحی، ۱۳۹۶